

SOCIAL SOLUTIONS TO FACE FINANCIAL VICTIMIZATION FROM THE PERSPECTIVE OF RELIGIOUS TEACHINGS

Ali Qobadian ¹

Seyyed Mir Agha Kazemi ²

(Received on: 06- 06 - 2021 Accepted on: 16 - 08- 2021)

Abstract

Depending on the type of financial loss and the factors affecting its occurrence, various solutions are proposed for prevention. Some solutions have a temporary and limited effect, such as situational preventive measures, and some have a broad and long-term effect, such as community-oriented preventive measures. In the meantime, social preventive measures, as one of the oldest types of preventive measures, have a profound and long-term effect in reducing financial harm, because these measures play an essential role in eradicating deviations. For some time now, these measures have been explained in detail in the field of victimology and are actually used to reduce financial victimization. Although these measures are detailed in Islamic teachings, they have received less attention from criminologists. Considering the needs of the society and the dramatic increase in the phenomenon of financial victimization, the need to examine these measures from the perspective of Islamic teachings is felt. In this research, by using data collected from the library and using a descriptive-analytical method, the most important social solutions to face financial victimization, such as fair distribution of wealth, institutionalizing the culture of helping the needy, the expansion of legitimate economic activities and the prohibition of hoarding have been mentioned. The findings of the present research shows that if the preventive social teachings of Islam are applied properly and fundamentally, we will see a significant decrease in the rate of financial victimization.

Key words: victim, financial victim, preventive measures, religious teachings, social solutions.

1. Director of Islamic Jurisprudence Model Department, Judiciary Research Institute, Tehran.
Dr.qobadian@gmail.com

2. A graduate of the third level of Alimeh Qom, Qom, Iran (doctoral student of criminal law and criminology) (corresponding author).
miragha9512@gmail.com

راه کارهای اجتماعی مواجهه با بزه دیدگی مالی از منظر آموزه های دینی

علی قبادیان^۱

سید میرآغا کاظمی^۲

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۵/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۶/۰۶)

چکیده

بسته به نوع بزه دیدگی مالی و عوامل موثر بر وقوع آن، راه کارهای مختلفی برای پیش گیری پیش نهاد می شود. برخی راه کارها تاثیر مقطعی و محدود دارند نظیر تدابیر پیش گیرانه وضعی و برخی هم نظیر تدابیر پیش گیرانه جامعه مدار تاثیر گسترده و دراز مدت دارند. در این بین تدابیر پیش گیرانه ی اجتماعی به عنوان یکی از کهن ترین نوع تدابیر پیش گیرانه، تاثیر ژرف و دراز مدت در کاهش بزه دیدگی مالی دارند، چرا که این تدابیر نقش اساسی در ریشه کنی انحرافات دارد. از چندی قبل این تدابیر در حوزه ی بزه دیده شناسی به صورت دقیق تبیین شده و عملاً از آن در کاهش بزه دیدگی مالی استفاده می شود. با این که این تدابیر در آموزه های اسلامی به صورت دقیق بیان شده است اما کم تر مورد توجه اندیش وران جرم شناس قرار گرفته است. با توجه به نیاز جامعه و افزایش سرسام آور پدیده بزه دیدگی مالی، ضرورت بررسی این تدابیر از نگاه آموزه های اسلامی احساس می شود. در این پژوهش با استفاده از داده های گردآوری شده ی کتاب خانه ای و به روش توصیفی - تحلیلی به مهم ترین راه کارهای اجتماعی مواجهه با بزه دیدگی مالی نظیر توزیع عادلانه ی ثروت، نهادینه کردن فرهنگ بخشش به نیازمندان، گسترش فعالیت های اقتصادی مشروع و ممنوعیت احتکار اشاره شده است. برآیند پژوهش حاضر نشان می دهد، در صورت به کارگیری درست و اصولی آموزه های پیش گیرانه ی اجتماعی اسلام، شاهد کاهش قابل توجه نرخ بزه دیدگی مالی خواهیم بود.

واژگان کلیدی: بزه دیده، بزه دیدگی مالی، تدابیر پیش گیرانه، آموزه های دینی، راه کارهای اجتماعی.

۱. مدیر گروه الگوی قضای اسلامی پژوهشگاه قوه قضاییه، تهران، ایران.

Dr.qobadian@gmail.com

۲. دانش آموخته سطح سه حوزه علمیه قم، قم، ایران (دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی) (نویسنده مسئول).

.miragha9512@gmail.com

در میان انواع گوناگون بزه‌دیدگی، به لحاظ حجم پرونده‌ها و خسارت‌های هنگفت مالی، بزه‌دیدگی مالی در صدر فهرست قرار گرفته و سیر صعودی دارد. «بزه‌دیده مالی» یعنی کسی که در اثر یک عمل مجرمانه، زیان مالی دیده و تمام یا بخشی از سرمایه خویش را از دست داده است. از این رو، پیش‌گیری از بزه‌دیدگی از مباحث مهم و چالشی در حوزه جرم‌شناسی محسوب می‌شود. با این‌که پیش‌گیری از بزه‌دیدگی از دغدغه‌های جرم‌شناسان و بزه‌دیده‌شناسان است، اما در مورد پیش‌گیری از بزه‌دیدگی مالی و شناخت علل آن به صورت مشخص با فقر منابع مواجه هستیم. این فقر منابع حتی در آموزه‌های اسلامی نیز مشهود است. بررسی بزه‌دیدگی مالی از منظر آموزه‌های اسلامی قدمی است جدید که از چند سال اخیر شروع شده است. هر چند آموزه‌های نجات بخش اسلام از بدو طلوع در جامعه پراز ستم ۱۴۰۰ سال قبل، راه‌کارهایی را به کار بست که نه تنها برای جامعه آن روز بدیع بود، بلکه در جامعه پر مدعای امروز نیز تازگی دارد و کارساز است. متأسفانه باید اذعان داشت این تدابیر از یک برهه زمانی به بعد عامدانه و در برخی موارد به جهت اغفال، مورد بی‌توجهی قرار گرفت و از صحنه زندگی مسلمانان به طور کامل کنار گذاشته و یا بسیار کمرنگ شد. تدابیر پیش‌گیرانه اجتماع محور یکی از این نوع تدابیر است. در ایران پس از روی کار آمدن حکومت اسلامی در لابه‌لای برخی از پژوهش‌ها به معدودی از این راه‌کارها اشاره شده است. این راه‌کارها بسیار کلی و عمدتاً ناظر بر اصل بزه‌دیدگی است و تدابیر پیش‌گیرانه اجتماعی از منظر آموزه‌های اسلامی، به طور اخص مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. از این رو پژوهش حاضر به دنبال بررسی راه‌کارهای مواجهه با بزه‌دیدگی مالی از منظر آموزه‌های اسلامی می‌باشد.

۱. مفاهیم

۱-۱. بزه‌دیده

واژه بزه‌دیده یکی از مشتقات واژه انگلیسی (victim) برگرفته از واژه لاتین victim a است و اساساً دارای مفهوم قربانی می‌باشد (برجس و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۲). این واژه به شخصی اطلاق می‌شود که به دنبال رویداد یک جرم، آسیب و زیان یا آزار می‌بیند. واژه (victim) در فارسی به معنای «قربانی» به کار رفته است. معادل عربی این واژه «مجنی علیه» است (دهخدا، ۱۳۵۲، ج ۱۱: ۲۳۳۵). «قربانی» در واژه‌شناسی یعنی «آن چه یا آن که به نیت به دست آوردن رضای خداوند ذبح

می‌شود». در علوم جنایی، هرگاه این آسیب و زیان یا رنج و سختی از رفتار مجرمانه انسان برخاسته باشد، به فرد زیان دیده «قربانی جرم» یا بزه دیده می‌گویند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۷). بنابراین این معنای لغوی این واژه کم و بیش برای اشاره به هرکسی که به یک برآیند منفی یا هرگونه زیان یا آسیب دچار شده باشد به کار می‌رود، خواه آن زیان آسیب مالی، بدنی یا به شکلی درد و رنج عاطفی باشد.

مفهوم اصطلاحی آن از منظر مختلفی قابل بررسی است. از نظر حقوقی تعریف‌های زیر قابل توجه است:

جعفر لنگرودی در ترمینولوژی حقوق: «مجنی علیه کسی است که از جرمی متضرر شده است» (لنگرودی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۶۲۱). دکتر معتمد «مجنی علیه» را به مفعول جرمی تعریف کرده که جرم دربارهی او تحقق پیدا کرده است. ایشان ضمن برشمردن مصادیق مختلف مجنی علیه، جسد انسان و حتی حیوانات را نیز در این فهرست می‌گنجانند، سپس برای تأیید نظر خود ماده‌های (۲۱۰) و (۱۹۶) قانون مجازات عمومی را به عنوان مؤید ذکر می‌کند (معتمد، ۱۳۵۱، ج ۱: ۱۳۲). از نظر برخی دیگر، مجنی علیه صاحب حقی است که مورد تعدی و تجاوز قرار گرفته باشد (فاضل، ۱۹۷۶: ۲۵۷). عبدالقادر عوده با تصریح به عدم اعتبار شرایط قانونی درباره مجنی علیه، وی را چنین تعریف می‌کند: مجنی علیه کسی است که جرمی علیه او - بر جان، مال یا یکی از حقوقش - واقع شده باشد (عوده، ۱۴۰۵، ج ۱: ۳۹۷).

بررسی تعریف‌های فوق بیان‌گر کاستی‌ها و نقص‌ها و در عین حال نکات دقیقی است. نقص تعریف اول این است که مجنی علیه را فقط به انسان منحصر کرده است، از اینرو بسیاری از مصادیق بزه دیده که همان شخصیت حقوقی می‌باشد از این دایره خارج می‌شود. برخلاف تعریف دوم که ضمن برشمردن مصادیق متعدد مجنی علیه، ذکر حیوان به عنوان مصداقی از مجنی علیه خالی از تأمل نیست. تعریف آقای فاضل شبیه تعریف آقای لنگرودی است، چنان‌که تعریف آقای عوده نیز قریب به همان مضمون است، با این توضیح که نظری به شرایط قانونی هم دارد. تا این جا مفهوم بزه دیده از منظر حقوق دانان اجمالاً تبیین شد و به این نتیجه رسیدیم که از منظر حقوق دانان منشأ بزه مهم است. اما جرم‌شناسان با رویکرد متفاوت تری به تبیین مفهوم بزه دیده پرداخته‌اند. قبل از پرداختن به تبیین مفهوم بزه دیده از منظر جرم‌شناسان باید در نظر داشت که اصطلاح بزه دیده از این منظر، یک اصطلاح عام

بوده و از نظر مفهومی پیچیدگی خاص خود را دارد، هم چنان که بعضی از اساتید این رشته اذعان داشته‌اند (ایرندآبادی، ۷۴-۱۳۷۳: ۲۰۵). با توجه به پیچیدگی مفهوم این واژه و لزوم تعیین معنا و گستره آن لازم است اشاره شود که این واژه در دو کاربرد عام و خاص یا موسع و مضیق به کار رفته است. در مفهوم موسع آنچه مهم است ورود ضرر و خسارت به شخص بزه دیده است و علل و عوامل آن مد نظر نیست. با توجه به این رویکرد تعریف‌هایی زیر را از نظر می‌گذرانیم: بزه‌دیدگان کسانی هستند که در اثر فعل یا ترک فعل دیگری، تهدید شده‌اند، صدمه دیده‌اند یا از میان رفته‌اند. صدمه ممکن است توسط اشخاص یا دیگر ساختارها و نهادهایی که مردم نیز درگیر آنند رخ داده باشد (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۸: ۵۱).

این تعریف از منظر منشأ آسیب و نیز نوع آسیب وارده قائل به توسعه مفهوم بزه دیده شده است. در مقابل تعریف زیر قابل توجه است: «بزه دیده کسی است که یک خسارت قطعی، آسیبی به تمامیت شخصی او وارد آورده است و اکثر افراد جامعه هم به این مسئله اذعان دارند» (لینز، ۱۳۷۹: ۹۶). تعریف فوق اگر چه از نظر منشأ، دایره عام‌الشمول دارد اما معنای مضیقی از بزه دیده ارائه می‌دهد. مطابق این تعریف، بزه‌دیدگان صرفاً کسانی هستند که موضوع جرایم علیه اشخاص همچون قتل، ضرب و جرح، سقط جنین، افتراء و توهین می‌باشند و در نتیجه بزه‌دیدگان مالی را شامل نمی‌شود، اشخاص حقوقی (هم چون شرکت‌ها، محیط زیست و مانند آن) را در بر نمی‌گیرد (حاجی‌ده‌آبادی، همان: ۵۲). از سوی دیگر قید «اکثر افراد جامعه هم به این مسئله اذعان دارند» نیز بر ضیق دایره مفهومی «بزه دیده» افزوده است. عزت فتاح جرم‌شناس مصری تبار، عوامل و شیوه‌های گوناگونی برای قربانی شدن انسان معرفی می‌کند که بر پایه آن می‌توان گونه‌هایی از قربانیانی هم چون آسیب‌دیدگان رویدادهای طبیعی، قربانی بیماری‌ها، قربانی یک سانحه، قربانی جنگ، قربانی فقر و سرانجام قربانی جرم (بزه دیده) شناسایی کرد (رایجیان اصلی، همان: ۲۱۸). بر پایه تعریف جرم‌شناسان مخصوصاً تعریف فتاح، برخلاف تعریف حقوق دانان، با توسعه مفهومی بزه دیده مواجه هستیم. در تعریف مضیق بر عکس تعریف موسع، خاستگاه آسیب ناشی از جرم و منشأ ایراد خسارت در قانون توجه است (اسکندری، ۱۳۹۱: ۲۸). برای نمونه هانس فن هنتیک چنین تعریفی ارائه نموده است: بزه دیده جرم مانند کسی است که کالبد عمل مجرمانه را تشکیل داده است یا بزه دیده شخصی است که در یک رویارویی خصمانه مغلوب طرف مقابل شده است و صدمه دیده است (زکوی، ۱۳۹۰: ۳۴).

تعریف زیر به عنوان تعریف برگزیده از بزه دیده در نظر گرفته شده است: «بزه دیده» شخصی است که در پی وقوع فعل یا ترک فعل مجرمانه، متحمل ضرر شده یا در معرض خطر واقع شده یا به یکی از حقوق اساسی او آسیب وارد شده است. مراد از شخص در این تعریف اعم است از حقیقی یا حقوقی و دایره آسیب نیز عمومیت دارد، حتی خطرات بالقوه‌ای که افراد را تهدید می‌کند نیز در دایره خود جا می‌دهد؛ مثل شروع به جرم کلاه برداری یا شروع به سرقت یا تهدید به زورگیری مال افراد.

۱-۲. مال

از نظر لغوی، مال از واژه عربی «میل» به معنای خواستن است و علت نام‌گذاری آن را همان میل به این و آن و دست به دست گردیدن گفته است (طاهری، ۱۳۹۱، ج ۱: ۳۷). واژه مال در لغت نامه‌های فارسی این گونه معنا شده است: «مجموعه چیزهایی که قابل تملک باشد» (انوری، ۱۳۸۱، ج ۴: ۶۵۳۸ و عمید، ۱۳۷۷، ج ۳: کلمه مال). آن چه ارزش مبادله داشته باشد (دهخدا، همان، ج ۴۳: کلمه مال). معانی فوق بیان‌گر گستره مفهوم واژه مال از منظر قلمرو شمول است. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: تقریباً هر چیزی که ارزش مند باشد و قابلیت تملک داشته باشد در دایره مفهوم مال قرار می‌گیرد. از نظر اصطلاحی، مال چیزی است که ارزش دادوستد دارد و در برابر آن پول یا مال دیگری داده می‌شود و از نظر اقتصادی ارزش مبادله را داشته باشد (امامی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۷). برخی تعریف مال را دشوار دانسته و ناگزیر به شمردن عناصر آن رو آورده‌اند (لنگرودی، همان ص ۳۱۲۷). برخی دوقید قابلیت استفاده و تملک را در تعریف اصطلاحی مال ضروری می‌دانند و مال را به چیزی تعریف می‌کنند که برای انسان قابل استفاده و تملک باشد (عدل، ۱۳۸۵: ۳۱). باید یادآور شد که مال دارای مفهومی نسبی است و بر حسب زمان و مکان مفهوم آن متغیر خواهد بود. چیزی که در این زمان و در این جا مالیت دارد ممکن است در زمان دیگر (در این جا) و در همین زمان در جای دیگر فاقد ارزش باشد (بهمن پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۳۳).

۱-۳. بزه دیدگی مالی

بزه دیدگی مالی مرکب از دو واژه «مال» و «بزه دیدگی» است که هر یک به طور مفصل مورد بررسی قرار گرفت؛ لذا با توجه به این که مراد از «بزه دیده» شخصی است که در پی وقوع یک عمل مجرمانه دچار زیان شده است و معطوف به این که مراد از «مال» چیزی است که ارزش اقتصادی داشته باشد. «بزه دیده مالی» یعنی کسی که در اثر عمل مجرمانه، زیان مالی دیده

است و تمام یا بخشی از سرمایه خودش را از دست داده است. در کتاب های فارسی تعریفی از «بزه دیدگی مالی» به میان نیامده است اما می توان گفت با وقوع جرایم علیه اموال و دارایی شخص و زیانمند شدن او و این که شخص دچار مال باختگی شده است بزه مالی در حق او محقق شده است. بنابراین به «زیان مند شدن و مال باختن» بزه دیدگی مالی گفته می شود. کسی که بخشی یا تمام سرمایه و دارایی خود را به هر نحو (توسط جرم یا هر نوع پدیده دیگر) از دست داده باشد «بزه دیده مالی» بر او صدق می کند. تذکر این این مطلب لازم می نماید که مراد از «بزه دیده مالی» در این نوشتار دایره گسترده آن نیست، بلکه مراد زیان و آسیب های مالی است که از مجرای عمل مجرمانه به شخص وارد می شود و عوامل «بزه دیدگی» ناظر به همین نوع بزه دیدگی است. اگرچه در برخی موارد ممکن است هم پوشانی نیز داشته باشد.

۲. تدابیر اجتماعی تأثیرگذار بر کاهش بزه دیدگی مالی

منظور از تدابیر پیش گیرانه اجتماعی عبارت است از مداخله در محیط اجتماعی و شخصی. محیط اجتماعی ناظر به محیط های فرهنگی و اقتصادی است؛ چرا که محیط های نامناسب و جرم زا مانند محیط های فقر و بیکاری سبب بسیاری از بزه دیدگی های مالی است. در تدابیر پیش گیری اجتماعی درصدد ارائه تدابیری هستیم که برآیند نهادینه شدن آن در اجتماع، زدودن و یا حداقل کاهش فقر و سایر عوامل جرم زای اجتماعی است. از یاد نباید برد که این نوع تدابیر، از نظر دسته بندی سه گانه پیش گیری (نخستین، دومین و سومین) در دسته نخست جای می گیرد.

۲-۱. پیشینه پیش گیری اجتماعی

از منظر قدمت و پیشینه، پیش گیری اجتماعی نسبت به سایر انواع پیش گیری ها از قدمت بیش تری برخوردار است و به تعبیر برخی از قدیمی ترین و رایج ترین اشکال پیش گیری غیرکیفری به شمار می رود و مکتب تحقیقی به ویژه فری که از بنیان گذاران آن است، بر آن تأکید کرده است (فیروزجانی، ۱۳۸۸: ۴۷). از منظر آموزه های اسلامی پیش گیری اجتماعی قدمتی به طول حیات انسان در این عالم دارد. چرا که هم زمان با حبوط آدم به زمین، اولین فرد انسانی و اولین پیامبر خدا نیز بود. اولین وظیفه تمام انبیاء تربیت انسان های سالم، پایبند به قوانین شرع و دوری از هر نوع اعمال نابهنجار بود. چنان که خداوند در قرآن کریم هدف از ارسال

رسل را برپایی عدالت و ریشه‌کنی ستم بیان می‌کند «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). از همین رو، قرآن کریم به عنوان مهمترین آموزه اسلامی، توجه ویژه‌ای به امر پیش‌گیری مخصوصاً پیش‌گیری اجتماعی دارد. هر چند در قرآن کریم کلمه «پیش‌گیری» بکار نرفته است، اما به شکل ضمنی آیات فراوانی به این مسئله دلالت دارد. برای مثال بیش‌تر آیات نهی از منکر، به نوعی انسان را از چیزی بر حذر می‌دارند که این خود بدون شک نوعی پیش‌گیری از وقوع گناه است (توسلی و صادقی، ۱۳۹۴: ۴۵). بنابراین جوهر تعالیم انبیاء از منظر قرآن، پرورش انسان‌هایی است که ذاتاً خوب باشند، نه این‌که به دلیل وجود موانع خارجی مرتکب جرم و گناه نشوند. رسیدن به تزکیه درونی و اخلاق نیک که از اهداف بعثت پیامبران و از جمله پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله است با الگوی موسوم به پیش‌گیری اجتماعی که آموزش محور است، سازگارتر است؛ زیرا هدف اصلی در این نوع از پیش‌گیری، خشکاندن ریشه‌های بزهکاری در اراده و تصمیم افراد است (همان: ۴۹). به عنوان نمونه راجع به آسیب‌های ناشی از حرص روایتی از امیرالمومنین علیه السلام نقل شده که فرمودند: «وَالْحِرْصُ دَاعٍ إِلَى التَّقَحُّمِ فِي الذُّنُوبِ وَهُوَ دَاعِي الْحِرْمَانِ وَ...» (کلینی، ۱۳۶۷: ۱۹). حرص انگیزه‌ای است که انسان را به ارتکاب جرایم و جنایات فرا می‌خواند... در این روایت حضرت به صراحت از جرم زایی حرص سخن گفته و آن را انگیزه بسیاری از جرایم دانسته است. تجربیات و مشاهدات زندگی اجتماعی موید این مطلب است که بخش زیادی از جرایم در سطوح مختلف جوامع ریشه در همین خصلت روانی و درونی ناشی از حرص دارد. تشنگی ناشی از حرص که تمایل مفرط انسان‌ها را در به دست آوردن و پس انداز کردن درآمدهای اقتصادی تا مرز جنون پیش برده از آنان انسان‌های جسور، بی‌باک و بی‌پروایی می‌سازد که حاضرند در راه رسیدن به اهداف شومشان دست به هر اقدام جنایت‌کارانه‌ای بزنند. برای این کار از سرقت‌های کوچک گرفته تا سرقت از بانک‌ها، موسسات مالی اعتباری، مراکز خیریه، کلاهبرداری، تجارت مواد مخدر، فروش قرص‌های روان‌گردان و... همگی از جرایمی هستند که ریشه در این صفت مذموم اخلاقی دارند (حاجی ده‌آبادی، قبادیان؛ ۱۳۹۵: ۱۸).

۲-۲. شیوه‌های پیش‌گیری اجتماعی

۲-۲-۱. توزیع عادلانه ثروت در جامعه

توزیع عادلانه ثروت و سهم عوامل تولید در جامعه، از مباحث مهم در نظام‌های اقتصادی بوده و مبتنی بر مبانی پذیرفته شده در آن نظام‌ها است. برای مثال در نظام سرمایه‌داری چون حق آزادی به طور مطلق پذیرفته شده است توزیع بر مبنای این حق شکل می‌گیرد. سوسیالیسم نیز که منشأ همه ارزش‌های افزوده شده را عنصر کار می‌داند، در صدد است تا منابع طبیعی را در اختیار عموم قرار دهد و تنها بر اساس ساعات کار انجام شده درآمد فردی را تنظیم می‌کند و ثروت را توزیع می‌نماید؛ اما اسلام در مقابل این دو مکتب مجموعه‌ای از راه‌کارها را در نظر گرفته است که تعادل بین خواسته‌ها و مصلحت‌های فردی و اجتماعی هر دو از نظر دور داشته نشود (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴: ۲۶۶). روش توزیع ثروت در نظام سرمایه‌داری بر فقر و گسترش فاصله طبقاتی دامن می‌زند، در مقابل روش سوسیالیسم اگر چه توانست تا حدودی از انباشته شدن ثروت و ابزار تولید در دست عده‌ای خاص جلوگیری نماید، اما از آن طرف مانع آزادی اقتصادی شد؛ امری که خود آثار زیان‌باری را به دنبال داشت. باری، فاصله طبقاتی و انباشت ثروت در دست عده‌ای، پیامدهای زیان‌بار اجتماعی را به دنبال دارد. از یک سو، باعث فقر و نداری طیف وسیعی از افراد جامعه می‌گردد که خود آثار سوء فراوانی را به دنبال دارد؛ مثل گرایش در دام باندهای مواد مخدر، مفاسد جنسی، باندهای سرقت و سایر اعمال نابه‌هنجار و به فرموده پیامبر اسلام ﷺ: «الفقر سوداء الوجه فی الدارین»، فقر باعث سیه‌رویی فقیر در دنیا و آخرت می‌شود (ابن‌جمهور، ج ۱: ۴۰-۴۱؛ محمدی ری‌شهری، ج ۷: ۴۹۸) و از سوی دیگر، ثروت‌اندوزی نیز مفاسدی را به دنبال دارد. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ» (علق: ۷-۶) این چنین نیست [که انسان سپاس‌گزار باشد] مسلماً انسان سرکشی می‌کند. برای این‌که خود را بی‌نیاز می‌پندارد. به عقیده برخی مفسرین این طبع و سرشت انسان است؛ وقتی توانمند باشد به جای اکتفا کردن به داشته‌های خود، رو به استثمار و بهره‌کشی از دیگران می‌آورد (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۰: ۳۸۸) که این بهره‌کشی افراد ثروتمند از فقرا، واکنش حيله‌گرانه و خدعه‌گرانه آن‌ها را در پی دارد تا روزی که فرصت انتقام بیابند و با دست دادن چنین فرصتی، آن‌ها با تمام قدرت انتقام می‌گیرند و در نتیجه جامعه با هرج و مرج روبرو می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۲: ۱۷۷). برآمد این هرج و مرج، افزایش جرایم مخصوصاً از نوع مالی آن

است؛ لذا پیامبر ﷺ فرمودند: «اخوف ما اخاف علی امتی، ان یکثر لهم المال فی حاسدون و یقتتلون» (حلوانی، ۱۴۰۸، ج: ۱، ۱۲۷). من از آن چه که بسیار بر این مردم می‌ترسم این است که روزی، اموال عده‌ای از این‌ها زیاد شود، به رقابت، حسادت و چشم و هم‌چشمی، تفاخر در ثروت و تکاثر در امکانات مادی پرداخته و همدیگر را بکشند. بنابراین افزایش فاصله طبقاتی، از عوامل مهم و کلیدی در افزایش بزه‌دیدگی مالی است؛ لذا برای کاهش بزه‌دیدگی مالی به عنوان کار زیر ساختی و پیش‌گیرانه، باید تا حد ممکن از این فاصله کاست و در جهت توزیع عادلانه ثروت و منابع آن به صورت مساوی سعی کرد. آموزه‌های اسلامی راه‌کارهای زیادی جهت کاستن از فاصله طبقاتی و محرومیت‌زدایی ارائه کرده است. به عنوان مثال، اگر از نظر زیر ساخت‌ها در توزیع عادلانه ثروت مشکلی نباشد و شرایط فراهم باشد ولی تنبلی و سستی خود شخص باعث عدم دسترسی آن شده باشد؛ اسلام آموزه‌های تشویقی مثل کار و تلاش را بیان کرده است که بخشی از این آموزه‌ها ذیل فعالیت‌های اقتصادی مشروع مورد اشاره قرار گرفته است. اما اگر زمینه برای کار و تلاش فراهم نباشد و یا به دلیل ویژگی بدنی و جسمی فرد قادر به کار نباشد، در این صورت اسلام برای این امر دو نوع آموزه حمایتی پیش‌بینی کرده است:

۱-۲-۲. حمایت‌های حکومتی

برابر آیات قرآن (بقره: ۲۹) انسان به عنوان جانشین خداوند در روی زمین، به صورت مساوی حق برخورداری از نعمات الهی را دارد؛ لذا تمرکز ثروت در دست عده‌ای اقلیت و محرومیت اکثریت، نه موافق آموزه‌های اسلامی است و نه با شأن جانشینی انسان تناسب دارد (غفاری، ۱۳۸۶: ۶۲). از این رو، تعدیل ثروت و دستگیری از فقرا و نیازمندان به صورت اساسی، از مهم‌ترین وظایف حکومت اسلامی به شمار می‌رود. بدین لحاظ، پیامبر اسلام ﷺ در همان روزهای نخست تشکیل حکومت در مدینه، قوانینی در حوزه تجارت، کشاورزی، خدمات و صنعت به منظور تعدیل ثروت و توزیع عادلانه آن وضع کرد. تحریم برخی معاملات رایج در زمان جاهلیت هم چون ربا، احتکار، تلقی رکنان از یک سو و تأیید و امضای برخی دیگر از معاملات نظیر بیع، مضاربه، مشارکت و قرض‌الحسنه از سوی دیگر، برخی از مقررات را شکل می‌دهد (فراهانی فرد، ۱۳۸۱؛ صدر، ۱۳۸۷؛ ش).

اسلام سه مرحله برای توزیع ثروت در نظر گرفته است. مرحله پیش از تولید: منظور از تولید پیش از توزیع، شیوه بهره‌برداری مسلمانان از ثروت‌های طبیعی نظیر آب، زمین و مباحات

عمومی است. برای پیش‌گیری از تراکم این منابع در دست عده‌ای خاص نیز راه‌کارهایی در نظر گرفته شده است. از مهم‌ترین این راه‌کارها، قراردادادن این دسته از ثروت‌ها تحت ملکیت یا اختیار ولی امر مسلمین است. این ثروت‌ها، با اجازه ولی فقیه، به وسیله احیاء (در زمین‌های موات)، حیات (در زمین‌های آباد طبیعی) و اکتشاف و استخراج (در معادن زیر زمینی) به مالکیت بخش خصوصی در می‌آید. با تدقیق در آموزه‌های اسلامی ناظر به ثروت‌های طبیعی، به وضوح در می‌آییم که دو عامل اساسی اجازه ولی مسلمین و کار مفید در توزیع قبل از تولید نقش ایفا می‌کند (میرمعزی، ۱۳۸۴: ۵۹). دو عامل فوق نقش مهمی در توزیع عادلانه ثروت دارد. مرحله پس از تولید: وقتی منابع اولیه در فرایند تولید قرار می‌گیرد، درآمد حاصل از آن میان افراد ذی نفع تقسیم می‌شود (فراهانی فرد، ۱۳۸۱: ۱۲۲). برخلاف نظام‌های دیگر که اساس بهره‌وری را در این مرحله کار و تلاش فرد می‌داند، اسلام اما با تنظیم قواعدی نظیر تحریم بهره و تجویز برخی از انواع قراردادها نظیر مضاربه و مساقات تقریباً برای همه مخصوصاً نیروی کار سهم قابل توجه در نظر گرفته است. در دو مرحله قبل، معیار توزیع ثروت بر اساس کار و تلاش بود، اما در مرحله سوم که همان توزیع مجدد نام‌گذاری شده است ملاک و معیار توزیع نیاز افراد است، یعنی افرادی که به هر دلیلی اعم از دلایل شخصی نظیر ناتوانی جسمی و روحی، عوامل طبیعی که باعث نیازمندی افراد شده است باعث بروز فاصله طبقاتی در جامعه می‌شود (میرمعزی، ۱۳۹۱: ۱۸۴-۲۰۴)؛ لذا مسئولین حکومت اسلامی موظف هستند برای تعدیل ثروت، خطوط اساسی نظام مالی در جامعه اسلامی تبیین کرده و آن را عملی سازند. چه بسا بتوان موارد ذیل را به عنوان مهم‌ترین وظایف حاکمان اسلامی در این زمینه مطرح کرد: یک) تصحیح و تعالی فرهنگی جامعه در راستای ایجاد انگیزه‌های مثبت برای پویا نمودن اقتصاد؛

دو) بهره‌گیری از تمام امکانات، نیروهای فکری و نیز سرمایه‌های مادی در جهت کاشت، داشت و برداشت مناسب؛

سه) تصحیح و تعالی فرهنگ جامعه برای حلال نمودن مکاسب، رعایت ضوابط و احکام اقتصادی دین در همه مراحل تحصیل مال، اعم از نگه‌داری، توزیع و صرف هزینه مال؛ چهار) تصحیح و تعالی فرهنگ جامعه برای پیش‌گیری از ثروت اندوزی؛ پنج) تصحیح و تعالی فرهنگ جامعه برای بسیج عمومی در جهت فقرزدایی؛

شش) تصحیح سیستم مدیریتی حاکم بر نظام اقتصادی؛

هفت) نظارت بر برنامه ریزی ها و اجرای طرح های اقتصادی، آن سان که با روح تعالی دینی هماهنگ باشد (مستقیمی، ۱۳۸۰: ۸۷). عناوین فوق به عنوان طرح های زیربنایی است. اما به عنوان طرح های روبنایی و فوری راه کارهای دیگری از قبیل تأمین اجتماعی و سازمان بهزیستی و... در نظر گرفته شده است که از طریق جمع آوری مالیات باید به افراد نیازمند و فقیر کمک صورت بگیرد.

۲-۲-۱-۲. حمایت های مردمی

تأمین اجتماعی و دست گیری از نیازمندان جهت کاستن از فقر اقتصادی برای کاهش بزه دیدگی مالی بر دو اصل مهم استوار است: یکی اصل کفالت همگانی و دیگری اصل سهم بودن جامعه در درآمدهای دولتی است. مطابق اصل اول، همگان مکلف هستند تا دست ناتوانان را بگیرند و از آن ها حمایت مالی نمایند و دولت اسلامی با استفاده از قدرت نظارتی خود افرادی را که این وظیفه مهم را انجام نمی دهند وادار به انجام آن نمایند (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲: ۳۸۶). از منابع روایی استفاده می شود که دست گیری از نیازمندان و اصل هم یاری از واجبات شرعی است. به عنوان نمونه از امام صادق علیه السلام نقل شده است: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: أَيُّهَا الْمُؤْمِنُ مَعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا مَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسَوِّدًا وَجْهَهُ مُزَرَّقَةً عَيْنَاهُ مَغْلُولَةً يَدَاهُ إِلَى عُنُقِهِ فَيَقَالُ هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ - ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۳۸۷) هرگاه مؤمنی نیازی داشته باشد و مؤمن دیگر بتواند خودش یا از طرف دیگری نیاز او را رفع کند اما از این کار سر باز زند خداوند روز قیامت او را در حالی می ایستاند که چهره اش سیاه، چشمانش نابینا و دستانش به گردنش بسته باشد. آن گاه خطاب می شود که این خائن به خدا و رسول او است. سپس دستور می دهد که او را به آتش بیندازد. مطابق این حدیث، فردی که بتواند دست برادر مؤمنش را بگیرد اما از این کار خودداری کند خائن به خدا و رسول دانسته شده است و در آخرت جزایش آتش سوزان جهنم است. بنابراین اصل هم یاری کم برخوردارها، توسط مسلمانان توان مند در آموزه های اسلامی به عنوان واجب کفایی ثابت است. اسلام برای حمایت های مردمی منابع متعددی را بیان کرده است این منابع به دو دسته منابع ثابت نظیر خمس، زکات مال و زکات بدن (فطره) و

منابع غیر ثابت نظیر صدقات (میرمعزی، ۱۳۹۳: ۳۶۸) تقسیم می شود.^۱

۲-۲-۲. نهادهای کردن فرهنگ بخشش به نیازمندان

علاوه بر توزیع عادلانه ثروت در قالب پرداخت خمس، زکات، دریافت مالیات، هزینه انفال و... که مقدار و مورد آن در منابع اسلامی مشخص شده است، آیات و روایات فراوانی وجود دارد که مردم مسلمان و مؤمن را از طرق مختلف به بذل و بخشش و دستگیری از نیازمندان تشویق می کنند. مطابق با کریمه: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۶۱) انفاق کردن در راه خدا به دانه ای تشبیه شده است که هفت خوشه برویاند و در هر کدام این خوشه ها صد دانه باشد. در این کریمه به این اکتفا نشده و بیان می کند که خداوند به هر کسی بخواهد چند

۱. زکات به عنوان یکی از واجبات مالی اسلام، نقش مهمی در تعدیل ثروت و کاهش فاصله طبقاتی دارد. چرا که در صورت عملی شدن این فریضه، رقم قابل توجهی از پول و ثروت جمع آوری می شود. رقمی که می تواند فاصله طبقاتی را کاهش دهد و از انباشته شدن ثروت در دست عده ای محدود جلوگیری به عمل آورد. زکات توسط حکومت اسلامی در جایی به اسم بیت المال جمع آوری می شد و پس از اولویت بندی موارد مصرف، هزینه می شد. برای این منظور، پیامبر افرادی شایسته و مدیران لایق را برای جمع آوری زکات راهی بلاد مسلمین می کرد (العجلانی، ۱۹۸۸: ۴۳-۴۴) و در هنگام توزیع نیز عدل و انصاف را مد نظر می داشت و در تقسیم آن هیچ گونه امتیاز طبقاتی و فردی را لحاظ نمی کرد (سبحانی، ۱۳۶۸: ۳۴۸). اما سؤال مهمی که هم چنان ذهن انسان را به خود مشغول می کند این است که چرا امروزه در بلادی مثل ایران که حکومت اسلامی برقرار است چرا پرداخت و جمع آوری زکات الزامی نمی شود و چرا دولت اسلامی این وظیفه را به عهده نمی گیرد؟ به هر حال مقدار و نحوه پرداخت زکات به قدری در دین مقدس اسلام دقیق تعیین شده است که اگر همه کسانی که زکات بر آن ها واجب شده است به وظیفه خود عمل کرده و آن را بپردازند می تواند به کلی فقر را از جامعه اسلامی ریشه کن کند. چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «إِنَّمَا وُضِعَتِ الزَّكَاةُ لِاخْتِيَارِ الْأَغْنِيَاءِ وَمُعَوَّنَةِ الْفُقَرَاءِ وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ آذَوْا زَكَاةَ أَفْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ مُسْلِمٌ فَقِيرًا مُحْتَاجًا وَلَا تَسْتَغْنِي بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ وَإِنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَلَا اخْتَجُوا وَلَا جَاعُوا وَلَا عَزُّوا إِلَّا بِذُنُوبِ الْأَغْنِيَاءِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۷) زکات به منظور آزمون توان گران و کمک به مستمندان وضع شده است. اگر مردم زکات اموال خود را می پرداختند، هیچ مسلمانی، فقیر و نیازمند نمی ماند و به سبب آن چه خداوند برای او واجب کرده است، بی نیاز می شد. مردم، فقیر و نیازمند و گرسنه و برهنه نشدند، مگر به سبب گناهان ثروت مندان. یکی از این گناهان همین پرداخت نکردن زکات است. در آیه ۶۰ سوره مبارکه توبه به موارد مصرف زکات به صورت دقیق و اولویت بندی شده پرداخته شده است که از این میان، فقر را اولین مورد مصرف زکات ذکر کرده است. به اعتقاد برخی مفسرین، نه تنها باید اولویت در پرداخت زکات از سوی مردم باشد، بل که باید فقرزدایی اولین و مهم ترین برنامه حکومت اسلامی نیز باشد (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۳: ۴۴۹).

خمس دومین نوع از واجبات مالی اسلام است که در آیه ۴۱ سوره مبارکه انفال بیان شده است. خمس به معنای پرداخت ۲۰٪ از درآمد مازاد سال پس از کسر تمام هزینه های زندگی است. برخلاف زکات، مصرف خمس با محدودیت بیش تری مواجه است چه این که افراد خود نمی توانند آن را به دل خواه خود به فقر بدهند بل که باید توسط حاکم اسلامی یا با اجازه آن هزینه شود (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳: ۲۳۸). بنابراین با برنامه ریزی درست و تعیین مدیران لایق اقتصادی، از یک سو و هزینه به جا و درست موارد خمس از سوی دیگر، با اطمینان می توان ابراز کرد که سطح رفاه عمومی در جامعه به صورت چشم گیری افزایش یافته و فقر و نداری رنگ خواهد باخت و در نتیجه شاهد سیر نزولی بزه دیدگی مالی خواهیم بود. تجربه نشان داده است اگر برنامه ریزی درست از سوی حکومت اسلامی انجام نشود که خمس و زکات را به نوعی اجباری از افراد واجد شرایط بگیرند به صورت داوطلبانه افراد کمی حاضر به انجام این فریضه الهی خواهند شد. امروزه برخی از کشورها چنین سیستم مالیاتی را طراحی کرده اند به این نحو: افرادی که مثلاً سطح دارایی سالانه شان از یک حد معینی فراتر برود، باید مقدار مشخصی را به عنوان مالیات به دولت بپردازد و دولت نیز به افراد کم برخوردار، یارانه می پردازد (بهارلو، ۱۳۹۲: ص ۱۳۲). از این طریق توانسته اند تعدیل ثروت را مدیریت کنند و فاصله طبقاتی را کاهش دهند.

برابر این را نیز عطا می‌کند (فهد حلی: ۵۵؛ شیخ صدوق؛ ج ۳: ۱۶۸). آثار و برکاتی که در این نمونه از آیات و روایات بیان شده است همه در راستای تشویق و ترغیب به نهادینه کردن آموزه‌ی بخشش و دست‌گیری از نیازمندان، قابل ارزیابی است. نقش انفاق و بخشش از آن جهت در کاهش بزه‌دیدگی مالی اهمیت دارد که سبب می‌شود ارتباط و پیوستگی هم‌راه با محبت طبقات سرمایه‌دار با تهی‌دستان تحکیم گردد (حسینی، ۱۴۰۴، ج ۹: ۲۸۹، و ج ۱۶: ۲۸۲). بسیاری از بزه‌دیدگی‌ها که در اثر محرومیت طبقه پائین جامعه واقع می‌شود هم‌راه با نوعی بدبینی و تنفر نسبت به افراد دارا است. چرا که فاصله طبقاتی، موجب می‌شود افراد فقیر نگرشی انتقام‌جویانه به ثروت‌مندان داشته باشند و از همین رو، وارد کردن ضرر مالی و حتی جانی را نوعی تشفی خاطر می‌دانند؛ به همین دلیل یکی از آثار انفاق، ایجاد نوعی نگرش مثبت در محرومان و نیازمندان نسبت به بخشنده ذکر شده است و همین امر او را از بزه‌دیدگی مالی و جانی مصون می‌دارد (حاجی‌آبادی، ۱۳۸۸: ۴۴). شاید مراد از هلاکت خود به دست خود، در آیه مبارکه زیر همین معنا باشد: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره: ۱۹۵) و در راه خدا انفاق کنید و [با ترک این کار پسندیده، یا هزینه کردن مال در راه نامشروع] خود را به هلاکت نیندازید و نیکی کنید که یقیناً خدا نیکوکاران را دوست دارد. به تعبیر برخی از مفسران، آیه فوق انفاق را نجات بخش تمام جامعه از مفسد کشنده می‌داند؛ زیرا در صورت فراموش کردن انفاق و تکاثر ثروت در دست عده‌ای معدود، باعث افزایش افسارگسیخته فقر در جامعه می‌گردد و دیری نخواهد پایید که موج انفجار قدرت‌مند ارکان جامعه را به لرزه در خواهد آورد، طوری که ثروت‌مندان نیز در این آتش خواهند سوخت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۳۸). این حقیقت در حکمتی گران‌بها از امام علی علیه السلام به صورت زیبایی ترسیم شده است: «حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۶) اموال خویش را با دادن زکات حفظ کنید. این بیمه اموال در حقیقت همان تاثیر غیر مستقیم بخشش به نیازمندان است که دید مثبت افراد نیازمند را نسبت به ثروت‌مندان جامعه در پی دارد.

۱-۲-۲. راه‌کارهای نهادینه کردن فرهنگ بخشش

انفاق و بخشش، از جمله وظایف اخلاقی هر فرد مسلمان است که در دین مقدس اسلام مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. این وظیفه همان‌طور که در سطور فوق اشاره شد دارای آثار فردی - اجتماعی عمیق و به شدت تاثیرگذار در پدیده بزه‌دیدگی مالی است. بنابراین

ضروری می نماید برای نهادینه کردن و گسترش همه شمول آن برنامه ریزی صورت گیرد و بخشش به صورت فرهنگ بین تمام اعضای جامعه اسلامی نهادینه شود. آموزه های اسلامی راه کارهای گوناگونی برای نهادینه کردن بخشش و انفاق بیان داشته است تا آن جا که از منظر آموزه های اسلامی فرد مسلمان باید از بدو کودکی، روحیه خودمحوری را پلستی انگارد و در عوض سرشتش با ایثار و گذشت و انفاق خو بگیرد. به دلیل کثرت راه کارهای بیان شده در آموزه های اسلامی نسبت به موضوع فوق دو راه کار که از میان همه تاثیر فوری و فراگیرتری دارد مورد اشاره قرار خواهد گرفت:

۱-۲-۲. توجه به آثار انفاق

علم و آگاهی تاثیر شگرفی در عمل گرایی انسان دارد؛ لذا قبل از همه برای فرهنگ سازی رفتاری، لازم است نسبت به آن آگاهی درست و کافی به جامعه هدف داده شود. انفاق نیز مشمول همین قاعده کلی است؛ بنابراین بیان آثار و توجه دادن افراد به آن می تواند راه کار مناسبی برای گسترش انفاق در جامعه باشد. ائمه معصومین علیهم السلام نیز برای نهادینه کردن این وظیفه اسلامی آثار آن را مورد توجه قرار داده و آن را برای مؤمنین بیان می فرمودند. آثاری نظیر بیمه اموال، چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود: «حَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ ... فَإِنَّهُ لَنْ يَهْلِكَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا بِمَنْعِ الزَّكَاةِ» (مفید، بی تا: ۳۳۵) دارایی تان را با پرداخت زکات بیمه کنید... به درستی هیچ مالی در خشکی و دریا از بین نرفت مگر با خودداری از پرداخت زکات. یا مثلاً در حدیثی از امام علی علیه السلام، فرد بخشش گر به عنوان محبوب ترین فرد نزد خدا نام برده شده است: «إِنَّ أَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ مَنْ أَعَانَ الْمُؤْمِنَ الْفَقِيرَ مِنَ الْفَقْرِ فِي دُنْيَاهُ وَمَعَاثِرِهِ» (ابن شعبه، ۱۳۶۱: ۳۷۶) محبوب ترین مؤمنین نزد خداوند کسی است که مؤمن فقیری را در تنگ دستی دنیا و گذران زندگی یاری رساند. در پاره ای از آموزه های اسلامی بخشش به نیازمندان مایه استجاب دعا دانسته شده است. به عنوان مثال در روایتی آمده است: اگر می خواهید دعای شما مستجاب شود باید لقمه خود را حلال کنید، یکی از راه های حلال کردن لقمه پرداخت زکات و انفاق است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «فَانِ ادَّوْا إِلَى اللَّهِ حَقَّ مَا رَزَقَكُمْ يَطِيبُ اللَّهُ لَكُمْ بَقِيَّتَهُ» (علامه، ۱۴۰۶، ج ۲۶: ۹۷) اگر حق آن چه که خداوند روزی شما کرده است بپردازید، باقی مانده برای شما حلال است. آثار فوق که مشتمل بر برکات مادی و معنوی مهم است تنها نمونه ای از میان آثار فراوان انفاق است که مورد اشاره قرار گرفت. با دقت در آثار فوق به این نتیجه می رسیم که اگر به درستی و بیان زیبا آثار انفاق

برای مؤمنین بیان شود و آن‌ها به این نتیجه برسند که انفاق باعث بیمه اموال، استجابت دعا، محبوبیت نزد پروردگار و... می‌شود شاهد گسترش فرهنگ انفاق در جامعه خواهیم بود.

۲-۲-۲-۲. توجه به پیامدهای ترک انفاق

فرهنگ سازی انفاق علاوه بر توجه به آثار و برکات آن نیازمند توجه به پیامدهای منفی ترک آن نیز است؛ زیرا ترک انفاق عواقب خطرناک مادی و معنوی برای افراد خود محور به دنبال دارد که چه بسا توجه دادن این گروه افراد به این پیامدها، سبب وا داشتن این‌ها به انفاق و بخشش گردد. برای ترک انفاق پیامدهای زیادی ذکر شده است نظیر این که ترک انفاق موجب حسرت و پشیمانی «وَأَنْفَقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ» (منافقون: ۱۰) و ظلم بر نفس (بقره: ۲۷۰ و قلم: ۲۳-۲۹) می‌گردد. گذشته از این‌ها در برخی روایات اشاره شده است که ترک انفاق باعث هزینه دو برابر می‌شود آن هم در راه باطل، نظیر این حدیث شریف از امام صادق (ع): «من منع حقه الله عز و جل انفق في باطل مثليه» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۵۰۶) کسی که حق خدا را نپردازد، دو برابر آن مقدار را در راه باطل صرف خواهد کرد. قریب به همین مضمون، در روایتی دیگر از پیامبر (ص) آمده است: «من منع ماله من الاختيار اختييارا، صرف الله ماله الى الاشرار اضطرارا» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۴۳۵-۴۳۶) کسی که مال خود را در راه خوبان با اختیار خود هزینه نکند خداوند مال او را در راه بدان با اجبار صرف خواهد کرد. توجه دادن به آثار و پیامدهای فوق می‌تواند باعث تحریک افراد به انفاق و بخشش شود که این خود زمینه بسیاری از جرایم ناشی از فقر و فاصله طبقاتی را از بین می‌برد.

۲-۲-۳. فعالیت اقتصادی مشروع

گسترش برخی فعالیت‌های اقتصادی آسیب‌زا نظیر رواج وام‌های با بهره‌های سنگین از یک سو و بیکاری از سوی دیگر، آسیب‌های زیادی بر پیکره اجتماع وارد می‌کند که بزه‌دیدگی مالی یکی از شاخص‌ترین آن‌ها است. بنابراین یکی از کارهایی که باید در جامعه انجام شود گسترش فعالیت‌های اقتصادی مشروع است. هر فرد باید سعی کند شغل آبرومند با درآمد کافی داشته باشد و از سوی دیگر حکومت اسلامی با برنامه‌ریزی دقیق باید زمینه اشتغال پایدار و آبرومند افراد را مهیا کند. بر کسی پوشیده نیست که امروزه فقر به عنوان عامل بسیاری از بزه‌دیدگی‌ها مخصوصاً از نوع مالی آن در نظر گرفته می‌شود. در اکثر موارد افراد فقیر یا کم درآمد به طعمه مناسب برای بزه‌کاران بالقوه مبدل می‌شوند و آن‌ها از فقر و نداری این‌گونه

افراد به عنوان نقطه ضعف استفاده کرده و با وعده اشتغال و درآمد بالا فریشان داده و اندک داشته‌هایشان را نیز به تاراج می‌برند. نگاهی به آمار قربانیان جرایمی مثل کلاه برداری مؤید این مطلب است.

آموزه‌های نوربخش اسلام با درک نقش بزه‌زدایی فقر و نداری، در موارد متعددی به تلاش و کوشش برای تأمین مایحتاج زندگی سفارش کرده است. پیامبر مکرم اسلام ﷺ تلاش برای کسب درآمد مشروع را هم سان با جهاد در راه خدا دانسته و چنین فرموده است: «الكَادَ عَلَى عِيَالِهِ مِنَ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۵: ۳۶۱) کسی که برای تأمین معیشت خانواده از راه حلال کوشش می‌کند پاداشی هم چون مجاهد در راه خدا دارد. علاوه بر این، آیات فراوانی کسب روزی حلال را مورد تشویق قرار داده است. به عنوان نمونه «وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالْأَهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (قصص: ۷۳) و از رحمت خود شب و روز را برای شما قرارداد، تا در شب بیارامید و [در روز] رزق و روزی بجوید، باشد که سپاس‌گزاری کنید. در کریمه دیگر بعد از دستور به شرکت در نماز عبادی - سیاسی جمعه دستور به پراکنده شدن برای کسب روزی حلال داده و این‌گونه می‌فرماید: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (جمعه: ۱۰) و چون نماز پایان گیرد، در زمین پراکنده شوید و از فضل و رزق خدا جويا شوید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید. آیه فوق از نظر قواعد عربی افاده وجوب می‌کند اما به اعتقاد بسیاری از مفسرین چون ابن آیه بعد از نهی بیع آمده است صرفاً افاده جواز می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۹: ۴۶۲). این دستور خداوند برای زدودن این پندار در ذهن مسلمانان است که آن‌ها خیال نکنند چون خداوند دستور به ترک معاملات و کارهای روزمره داده است حالا باید دست از تلاش کشید، بل که باید بلافاصله بعد از اتمام نماز جمعه در طلب روزی حلال به زمین پراکنده شد. مؤید این مطلب حدیثی است که در برخی از متون در مورد پیامبر آمده است که آن حضرت بعد از نماز جمعه سری به بازار می‌زد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۴: ۱۱۲۸). مرحوم طبرسی ذیل همین آیه شریفه روایتی را نقل کرده است که مطابق آن خداوند دعای سه شخص را قبول نمی‌کند، یکی از این سه نفر، شخصی است که توانائی کار کردن دارد اما در خانه می‌نشیند و از خدا طلب روزی می‌کند، دعای چنین شخصی مقبول نیست (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۲۵: ۲۷). بنابراین انسان مسلمان علاوه بر حفظ و تقویت ارتباط خود با خدا، در جهت کسب روزی حلال نیز سعی می‌کند.

در مقابل، آیات زیادی وجود دارد که از فعالیت‌های اقتصادی نامشروع نهی کرده است. به عنوان نمونه آیه‌ای که از اکل مال به باطل نهی کرده است «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (بقره: ۱۸۸) و اموالتان را در میان خود به باطل و ناحق مخورید. طبق این آیه مبارکه خوردن (تصرف) مال به باطل از طرق نامشروع مانند دزدی و خیانت و ظلم ممنوع است (طوسی، بی‌تا، ج ۲: ۱۳۸). هم‌چنان که مصرف مال به صورت بیهوده و اسراف جایز نیست (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۳۱۲). تحریم شدید الحن ربا و کسب درآمد از طریق آن نیز در همین زمینه قابل ارزیابی است؛ چرا که رباخواهی سبب تشدید فاصله طبقاتی و فشار بر محرومان و انفجار جامعه می‌گردد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۵۶). آیه‌ای که بیان‌گر تحریم اموال یتیمان و بی‌سرپرستان است (نساء: ۱۰) و نیز آیه‌ای که دلالت بر تحریم سرقت می‌کنند (مائده: ۳۸)، همه در زمینه فعالیت اقتصادی مشروع و پرهیز از فعالیت‌های نامشروع اقتصادی ارزیابی می‌شود.

۴-۲-۲. ممنوعیت احتکار

واژه احتکار از نظر لغوی از ریشه «حکر» گرفته شده است که به معنای ظلم، عسر و سوء معاشرت آمده است و «حُکره» اسم مصدر آن است که در بعضی از احادیث به کار رفته است (محقق داماد، ۱۳۶۲: ۴۵). از نظر حقوقی احتکار آن است که کسی کالای مورد احتیاج و ضروری عامه را زیاد از مصرف خود نگه داشته و برای جلوگیری از فروش به دولت یا مردم پنهان کند (شامبیاتی، ۱۳۷۶: ۱۵). در اسلام آیات و روایات فراوانی درباره قباحت و زشتی احتکار آمده است. تعبیری همانند این که احتکار خصلت فاجران است (غرالحکم، حدیث ۱۷)، احتکار رذیلت و پستی است (همان، حدیث ۱۳)، احتکار عامل محرومیت است (نهج البلاغه، نامه ۵۳) چند نمونه از ده‌ها روایتی است که به مذموم بودن احتکار اشاره دارد. معروف‌ترین آیه که در این زمینه به آن استناد شده است «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه: ۳۴) و کسانی را که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، به عذاب دردناکی مژده ده. طبق نقل برخی مفسرین اصل کنز در زبان عربی به معنای جمع است یعنی هر چیزی که در کنار هم جمع شود به آن کنز گفته می‌شود (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶: ۳۶). بنا بر این انباشت هر نوع کالایی کنز گفته می‌شود و همان طور که در آیه مبارکه آمده است خداوند به صورت قاطع ثروت اندوزی و گنجینه‌سازی اموال را تحریم کرده است (شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۷: ۳۹۱) و برای محتکرین وعده عذاب دردناک داده است.

دلیل این همه تأکید قرآن و روایات معصومین بر ممنوعیت احتکار این است که احتکار باعث برهم خوردن وضع عادی اجتماع و اختلال نظم عمومی اقتصادی شده و مردم از به دست آوردن مایحتاج زندگی خویش عاجز شده و در عسر و حرج به سر می‌برند. در چنین وضعیتی، جرم و بزه‌کاری در جامعه افزایش پیدا می‌کند. از همین رو اسلام اولویت اول را در جامعه، امنیت معیشتی می‌داند. امنیت معیشتی یک ضرورت قطعی در زندگی است که در همه شئون حیات انسان تاثیر ماهوی دارد، از تربیت‌های اولیه گرفته تا آخرین مراحل تکامل فردی و اجتماعی انسان (ولی پور، ۱۳۶۸: ۱۱۶) و لذا در آموزه‌های اسلامی از هر رفتاری که باعث به هم خوردن این امنیت شود منع شده است. به عنوان مثال از تلقی رکنان که یکی از بارزترین مصادیق احتکار است به شدت نفی شده است: تلقی رکنان یعنی این که قبل از رسیدن کالا و توزیع آن بین مصرف‌کننده، عده‌ای سودجو بیرون از شهر به استقبال کاروان‌ها می‌رفتند و کالا را با نرخ کم‌تری خریداری می‌کردند و بعد از آن با ذخیره کردن آن به قیمت چند برابری به مردم می‌فروختند و چه بسا در مواردی از عرضه آن‌ها خودداری کرده و به آشفته‌گی بازار دامن می‌زدند. از همین رو، رسول خدا ﷺ از تلقی رکنان نهی کرده و حتی به مسلمانان دستور داده است شخص تلقی‌کننده را مورد تحریم قرار دهد «لَا يَتَلَقَّى أَحَدُكُمْ تِجَارَةً خَارِجاً مِنَ الْمَضَرِّ وَلَا يَبِيعُ حَاضِرٌ لِبَادٍ وَالْمُسْلِمُونَ يَرْزُقُ اللَّهُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۶۸) هیچ یک از شما نباید به قصد خرید کالا به استقبال کاروان به خارج از شهر بروید و هم چنین برای فروش به کاروان، خداوند برخی مسلمانان را توسط برخی دیگر روزی می‌دهد. شیخ مفید علت نهی از تلقی رکنان را همان احتکار کالای ضروری مردم دانسته است و حاکم را ملزم دانسته است که شخص احتکار کننده را مجبور به فروش کالای احتکار شده نماید (مفید، ۱۴۱۳: ۶۱۶). بنابراین در جامعه‌ای که از احتکار جلوگیری نشود و از این طریق امنیت روانی و جانی مردم سلب شود نشان از بی‌کفایتی حاکمان آن جامعه است. امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر این امر را ننگ والیان دانسته است (نهج البلاغه، نامه ۵۳). نقش ممنوعیت احتکار در پیش‌گیری از بزه‌دیدگی مالی از دو جهت قابل ارزیابی است:

الف) احتکار عامل مستقیم بزه‌دیدگی: احتکار کننده با انبار کردن کالای مورد نیاز مردم و خودداری از فروش آن با قصد فروش به چند برابر قیمت، خود نوعی دزدی مستقیم از مردم است. از امام کاظم علیه السلام نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: اگر خداوند بنده‌ای را در حال

سرقت ملاقات کند، در نزد من محبوب تر است از این که او را در حالی که آذوقه مردم را چهل روز احتکار می نماید (ابن ماجه، بی تا، ج ۲: ۷۲۸)، در این بیان نورانی در مقام مقایسه، احتکار بدتر از دزدی شمرده شده است. چرا که دزدی، باعث زیان مندی فردی می شود، اما احتکار زمینه محرومیت جمعی قشر عمدتاً آسیب پذیر جامعه را فراهم می کند؛ لذا عدم احتکار و عرضه کالای مورد نیاز مردم از آسیب دیدن افراد کم درآمد و دهک های پایین جامعه جلوگیری می کند.

ب) احتکار عامل افزایش جرایم مالی: با کمیاب شدن کالاها به خصوص مواد خوراکی شاهد سیر صعودی آمار سرقت خواهیم بود. زیرا افرادی که توانایی خرید مواد مورد نیازشان را ندارند خواه به این دلیل که در بازار نیست یا هست اما با قیمت گزاف که معمولاً خارج از وسع و توان اکثریت جامعه است باید از راه های نامشروعی مانند سرقت تهیه کنند. علاوه بر آن احتکار و انحصار عرضه کالا توسط عده ای خاص بر فاصله طبقاتی نیز دامن می زند. خرید کالا با قیمت چند برابر از یک سو بر سرعت فقر افراد متقاضی می افزاید و از سوی دیگر محتکران را پربارتر و ثروتمندتر می کند. در نتیجه با افزایش جرایم مالی که پیامد مقطعی احتکار در جامعه است، فاصله طبقاتی نیز از موارد احتکار در دراز مدت است که آن نیز آثار سوء فراوانی از جمله بزه دیدگی مالی را در پی دارد؛ لذا یکی از کارهای زیرساختی در عرصه پیش گیری، جلوگیری از هر نوع احتکار به خصوص احتکار کالاها ضروری است.

۳-۴-۲- راه کارهای مقابله با احتکار: با توجه به جرم بودن احتکار و نقش اختلال زایی آن در نظم اقتصادی جامعه، اسلام خود را موظف می داند از وقوع آن جلوگیری به عمل آورد. با نهادینه کردن راه کارهای ذیل می توان از شیوع و گسترش پدیده شوم احتکار در جامعه جلوگیری کرد:

۱-۴-۲. تبلیغ ایثار و تقبیح احتکار

خداوند متعال در آیات زیادی، ایثارگران را مورد تشویق قرار داده و از آن ها به نیکی یاد نموده است. در برخی از آیات ایثار مال و بخشش آن به نیازمندان زمینه ساز اعمال صالح بیان شده است؛ آیات ۵ تا ۸ سوره مبارکه لیل با مقایسه ایثار و امساک به زیبایی این حقیقت بیان شده است. مراد از «تسیر- تهیه و آماده کردن- آسانی» هم وار کردن مسیر طاعت الهی و اعمال صالح است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۷۶۰). بر اساس این آیات ایثار در انفاق خود زمینه ساز و تسهیل گر اعمال صالح می شود و این باعث می شود فرد ایثارگر کم تر تحت تاثیر هواهای

نفسانی قرار گرفته و دچار احتکار مواد مورد نیاز جامعه نشود. از این رو آیه ۳۴ سوره مبارکه توبه از ذخیره کردن بی جهت و غیر مشروع طلا و نقره به عنوان نماد ثروت هشدار داده است و به متخلفان از این دستور بشارت مجازات دردناک داده است.

۲-۲-۴. پیش‌گیری از تبانی برای ایجاد بازار سیاه

یکی از پیش زمینه‌های شکل‌گیری احتکار، تبانی عده‌ای سرمایه‌دار و کاسب بی‌انصاف برای تعیین نرخ دل‌خواه قیمت کالا است. تبانی این عده در قدم اول باعث شکل‌گیری احتکار نسبتاً فراگیر می‌شود تا آن‌جا که کالای مورد نیاز در بازار کمیاب می‌شود و پس از افزایش تقاضا، کالای مورد نیاز با قیمت دل‌خواه و اغلب نجومی به بازار عرضه می‌شود. دولت اسلامی برای جلوگیری از چنین احتکاری لازم است تبانی صاحبان کالا شده و آن‌ها را ملزم به توزیع کالای مذکور در بازار نماید. در غیر این صورت باید شاهد احتکار مداوم کالاهای اساسی در جامعه باشیم که خود باعث افزایش فقر، شکاف طبقاتی و گسترش جرم می‌شود. در سیره هدایت بخش ائمه معصومین (علیهم‌السلام) با هر نوع احتکار و تبانی احتکار به شدت برخورد شده است. به عنوان مثال در روایتی آمده است: دَعَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه‌السلام) مَوْلَى يُقَالُ لَهُ مُصَادِفٌ فَأَعْطَاهُ أَلْفَ دِينَارٍ وَقَالَ لَهُ تَجَهَّزْ حَتَّى تَخْرُجَ إِلَى مِصْرَ - فَإِنَّ عِيَالِي قَدْ كَثُرُوا قَالَ فَتَجَهَّزْ بِمَتَاعٍ وَخَرَجَ مَعَ التُّجَّارِ إِلَى مِصْرَ - فَلَمَّا دَنَوْا مِنْ مِصْرَ - اسْتَقْبَلَتْهُمْ قَائِلَةٌ خَارِجَةٌ مِنْ مِصْرَ - فَسَأَلَتْهُمْ عَنِ الْمَتَاعِ الَّذِي مَعَهُمْ مَا حَالُهُ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ مَتَاعُ الْعَامَةِ فَأَخْبَرُوهُمْ أَنَّهُ لَيْسَ بِمِصْرَ مِنْهُ شَيْءٌ فَتَحَالَفُوا وَتَعَاقدُوا عَلَى أَنْ لَا يَنْقُصُوا مَتَاعَهُمْ مِنْ رِبْحِ الدِّينَارِ دِينَارًا فَلَمَّا قَبَضُوا أَمْوَالَهُمْ انْصَرَفُوا إِلَى الْمَدِينَةِ - فَدَخَلَ مُصَادِفٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع - وَمَعَهُ كَيْسَانِ كُلُّ وَاحِدٍ أَلْفَ دِينَارٍ فَقَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا رَأْسُ الْمَالِ وَهَذَا الْآخَرُ رِبْحٌ فَقَالَ إِنَّ هَذَا الرِّبْحَ كَثِيرٌ وَلَكِنْ مَا صَنَعْتُمْ فِي الْمَتَاعِ فَحَدَّثَهُ كَيْفَ صَنَعُوا وَكَيْفَ تَحَالَفُوا فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ تَخْلِفُونَ عَلَى قَوْمٍ مُسْلِمِينَ أَنْ لَا تَبِيعُوهُمْ إِلَّا بِرِبْحِ الدِّينَارِ دِينَارًا ثُمَّ أَخَذَ أَحَدَ الْكَيْسَيْنِ وَقَالَ هَذَا رَأْسُ مَالِي وَ لَا حَاجَةَ لَنَا فِي هَذَا الرِّبْحِ ثُمَّ قَالَ يَا مُصَادِفُ - مُجَالِدَةُ السُّيُوفِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ (حر عاملی، ج ۱۷: ۴۲۲).

«امام صادق (علیه‌السلام) یکی از خدمت‌کاران خود به نام مصادف را مبلغ هزار دینار داد و او را همراه کاروان تجاری به سمت مصر فرستاد تا تجارت کند. کاروان هم‌راه مصادف چون به مصر نزدیک شد، با کاروانی که از آن‌جا خارج شده بود روبرو شد و از آن‌ها درباره کالائی که به همراه داشتند پرسیدند. اتفاقاً طبق گفته کاروان مقابل کالایی که این‌ها به هم‌راه داشتند بسیار کمیاب و به شدت مورد نیاز مردم بود، این‌ها پس از شنیدن این خبر همه با هم تبانی کردند که باید تمام اجناس شان را با

صد در صد سود بفروشد و قضیه همان طوری شد که این‌ها تبانی کرده بودند و با سود صد در صدی به مدینه برگشت. مصادف در حالی که دو کسبه هزار دیناری به هم راه داشت خدمت امام صادق علیه السلام وارد شد و شرح ماجرا را خدمت آن حضرت عرض کرد، امام فرمود: سبحان الله! هم سوگند شدید که به مسلمانان جنس نفروشید مگر با سود دینار به دینار؟! سپس یکی از کیسه‌ها را برداشت و فرمود این سرمایه من است و نیازی به آن سود ندارم و آن‌گاه فرمود که ای مصادف، کارزار با شمشیر آسان‌تر از طلب روزی حلال است».

برخورد شدید امام صادق علیه السلام با خدمت‌کار خود و قبول نکردن سود حاصل از این تبانی، الگویی است برای همه سردمداران و حاکمان اسلامی که با هر نوع تبانی به قصد احتکار به شدت مبارزه کنند تا هیچ گونه احتکاری در جامعه اسلامی شکل نگیرد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش با توجه به مطالب ارائه شده می‌تواند ضمن بندهای زیر خلاصه شود:

۱. توزیع عادلانه ثروت و سهم عوامل تولید در جامعه، از مباحث مهم در نظام‌های اقتصادی بوده و مبتنی بر مبانی پذیرفته شده در آن نظام‌ها است؛ چرا که توزیع ناعادلانه ثروت باعث افزایش بیش‌تر فاصله طبقاتی، افزایش آمار جرایم عمدتاً مالی و انحصار ثروت و منابع تولید در دست افراد معدودی می‌شود که این نیز مفاسدی از جمله نارضایتی عمومی و هرج و مرج در جامعه را به دنبال دارد. بدین منظور اسلام راه‌کارهای متعددی پیش‌بینی کرده است که کاربست آن توزیع عادلانه ثروت و منابع تولید را به دنبال دارد. این راه‌کارها مبتنی بر حق بهره‌مندی افراد از امکانات استوار است و این نتیجه به دست آمد که اسلام اگرچه بر توزیع ثروت بر اساس کار و تلاش تأکید می‌ورزد، اما در صورت فقدان توان کار یا فراهم نبودن شرایط، بر توزیع ثروت بر اساس نیاز نیز تأکید دارد؛ لذا حکومت اسلامی را موظف بر فقرزدایی می‌داند هم چنان که با تشریع مالیات هم‌چون خمس، زکات و صدقات مردم را مکلف به دست‌گیری از نیازمندان کرده است.

۲. مؤلفه تاثیرگذار اجتماعی دیگر بر کاهش بزه‌دیدگی مالی از منظر آموزه‌های اسلامی، فرهنگ‌سازی بخشش به نیازمندان است و این نتیجه به دست آمد که دست‌گیری از نیازمندان علاوه بر کاهش فقر، سبب تحکیم ارتباط و پیوستگی هم‌راه با محبت طبقات سرمایه‌دار با تهی‌دستان می‌گردد.

۳. افزایش افسار گسیخته آمار بزه دیدگی مالی، نتیجه رواج وام های بانکی با بهره های بالا، تورم، بیکاری و فقر است. آموزه های اسلامی با درک این آسیب زایی، علاوه بر تشویق به کار و تلاش در جهت تأمین نیازمندی ها، از فعالیت های نامشروع اقتصادی که مصداق اکل مال به باطل هستند منع کرده است.

۴. جلوگیری از ایجاد اختلال در فرایند تولید - توزیع از طریق ممنوعیت فعالیت هایی نظیر احتکار میسر می شود. نتیجه احتکار کالاهای اساسی، به هم خوردن وضعیت اقتصادی جامعه است و نتیجه آن کوچک شدن سفره مردم و افزایش غیر مستقیم جرایم مالی نظیر سرقت را به دنبال دارد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن بابویه، (معروف به شیخ صدوق) محمد بن علی بن الحسین (۱۴۱۵ق)، المقنع، قم: مؤسسه امام مهدی.
۴. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۶۰ش)، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه: احمد جنتی، تهران: علمه اسلامیه.
۵. ابن ماجه أبو عبدالله محمد بن یزید القزوینی، ج ۲، بی جا، دار احیاء الکتب العربیه، بی تا
۶. احسانی، علی ابن ابراهیم، معروف به ابن جمهور، عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۴۰-۴۱
۷. العجلانی، منیر (۱۹۸۸م)، عبقریه الاسلام فی اصول الحکم، بیروت: دار النفایس.
۸. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی (تلخیص و تکمیل) (۱۳۹۳ش)، چاپ دوم، تهران: سمت.
۹. — (۱۳۷۴ش)، مبانی اقتصاد اسلامی، چاپ دوم، تهران: سمت.
۱۰. حسینی همدانی، محمد حسین (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان، ج ۹، و ج ۱۶، تهران: کتاب فروشی لطفی.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، ج ۱۷، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۲. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن نصر (۱۴۰۸ق)، نزهه الناظر و تنبيه الخواطر، ج ۱، چاپ اول، قم: مؤسسه امام المهدی.
۱۳. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری (۱۴۱۱ق)، کتاب مکاسب المحرمه و البیع و الخیارات (ط - قدیمه) ج ۲، قم: منشورات دار الذخائر.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷ش)، تفسیر مهر، ج ۳، قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآنی.
۱۵. سبحانی، جعفر (۱۳۶۸ش)، فروع ولایت، تهران: انتشارات صحیفه.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۸ش)، تفسیر نمونه، ج ۱۵، چاپ بیست و یکم، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۱۷. صدر، سید کاظم (۱۳۸۷ش)، اقتصاد صدر اسلام، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۸. صدر، سید محمد باقر (۱۳۹۳ش)، اقتصاد ما، ج ۲، ترجمه: سید ابوالقاسم حسینی، قم: انتشارات دارالصدر.
۱۹. طباطبائی (۱۳۷۴ش)، ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ج ۱۰، ج ۱۹، چاپ پنجم، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰ش)، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۵، تهران: انتشارات فراهانی.
۲۱. — (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۳. عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰ش)، تفسیر عاملی، ج ۱، تهران: انتشارات صدوق.

۲۴. علامه، ضیاء الدین، الوافی، ج ۲۶، اصفهان، مکتبه الامام أميرالمؤمنین علی.
۲۵. غفاری، هادی (۱۳۸۶ش)، نظام اقتصادی صدر اسلام، تهران، دانشگاه پیام نور.
۲۶. فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، ج ۱۶، چاپ سوم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۲۷. فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۱ش)، سیاست های اقتصادی در اسلام، تهران، مؤسسه فرهنگ و اندیشه معاصر.
۲۸. قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، ج ۳، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، ج ۵، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۰. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۲ش)، تحلیل و بررسی احتکار از نظرگاه فقه اسلام، تهران: نشر اندیشه های نو در علوم اسلامی.
۳۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ج ۷، ص ۴۹۸.
۳۲. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، المقنعه، قم، کنگره جهانی شیخ مفید.
۳۳. _____، الاختصاص، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۳۴. میر معزی، سید حسین (۱۳۹۱ش)، نظام اقتصادی اسلام، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۵. _____ (۱۳۹۳ش)، عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۶. _____ (۱۳۸۴ش)، اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۷. توسلی، محمد حسین و صادقی، محمد امین (۱۳۹۴ش)، آموزه های اسلامی پیش گیری از جرم، بصیرت و تربیت اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۳۲ش.
۳۸. حاجی ده آبادی، محمد علی (۱۳۸۸ش)، نقش وقف در پیش گیری از بزه کاری و بزه دیدگی، حقوق اسلامی، سال ششم.
۳۹. حاجی ده آبادی، محمد علی؛ قبادیان، علی؛ الگوی کنترل درونی اخلاق محور؛ در سیاست گذاری جنائی، سال سوم، شماره ۴، بهار ۹۵، شماره ۱۲ فصلنامه (علمی پژوهشی) اسلام و مطالعات اجتماعی.
۴۰. شامبیانی، هوشنگ (۱۳۷۶ش)، احتکار، ماهنامه دادرسی، سال اول، شماره پنجم و ششم.
۴۱. فیروز جایی، حسن حاجی تبار (۱۳۸۸ش)، پیش گیری اجتماعی از بزه دیدگی افراد در معرض خطر، فصلنامه مطالعات پیش گیری از جرم، سال چهارم، شماره دوازدهم.
۴۲. مستقیمی، مهدیه سادات (۱۳۸۰ش)، تعدیل ثروت در جامعه اسلامی، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۴.
۴۳. ولی پور، محمد طاهر (۱۳۶۸ش)، احتکار و مقابله با آن از دیدگاه روایات، مجله سفیر، سال اول، شماره دوم.
۴۴. بهارلو، ریحانه (۱۳۹۲ش)، پیش گیری از بزه دیدگی از منظر آیات قرآن، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه قم.